



امام سجاده علیه السلام فرمودند:

ای فرزندم! از ستم به کسی که
جز خداوند یاور و پشتیبانی علیه
تو ندارد، برحذر باش.

... من زین العابدینم

من فرزند مکه و منایم، من فرزند زمزم و صفایم، من فرزند کسی هستم که حجر الاسود را با ردای خود حمل و در جای خود نصب فرمود، من فرزند بهترین طواف و سعی کنندگانم، من فرزند بهترین حج کنندگان و تلبیه گویان هستم، من فرزند آنم که بر براق سوار شد، من فرزند پیامبری هستم که در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر کرد، من فرزند آنم که جبرئیل او را به سدره المنتهی برد و به مقام قرب ربوبی و نزدیکترین جایگاه مقام باری تعالی رسید، من فرزند آنم که با ملائکه آسمان نماز گزارد، من فرزند آن پیامبرم که پروردگار بزرگ به او وحی کرد، من فرزند محمد مصطفی و علی مرتضایم، من فرزند کسی هستم که بینی گردنکشانش را به خاک مالید تا به کلمه توحید اقرار کردند.

من پسر آن کسی هستم که برابر پیامبر با دو شمشیر و با دو نیزه می رزمید، و دو بار هجرت و دو بار بیعت کرد، و در بدر و حنین با کافران جنگید، و به اندازه چشم بر هم زدنی به خدا کفر نورزید، من فرزند صالح مؤمنان و وارث انبیا و از بین برنده مشرکان و امیر مسلمانان و فروغ جهادگران و زینت عبادت کنندگان و افتخار گریه کنندگانم، من فرزند بردبارترین بردباران و افضل نمازگزاران از اهل بیت پیامبر هستم، من پسر آنم که جبرئیل او را تأیید و میکائیل او را یاری کرد، من فرزند آنم که از حرم مسلمانان حمایت فرمود و با مارقین و ناکثین و قاسطین جنگید و با دشمنانش مبارزه کرد، من فرزند بهترین قریشم، من پسر اولین کسی هستم از مؤمنین که دعوت خدا و پیامبر را پذیرفت، من پسر اول سبقت گیرنده‌ای در ایمان و شکننده کمر متجاوزان و از میان برنده مشرکانم، من فرزند آنم که به مثابه تیری از تیرهای خدا برای منافقان و زبان حکمت عباد خداوند و یاری کننده دین خدا و ولی امر او، و بوستان حکمت خدا و حامل علم الهی بود.

بخشی از خطابه حضرت سجاد علیه السلام در مجلس یزید

سجاد علیه السلام

ولادت

۶۴ هـ . ق)؛ مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵ هـ . ق)؛ عبدالملک بن مروان (۸۵-۶۵ هـ . ق)؛ و ولید بن عبدالملک (۹۴-۸۶ هـ . ق) از جمله فرمانروایان عصر امامت آن حضرت بودند.

این دوران، دورانی نا امید کننده برای امام سجاد علیه السلام بود، زیرا حکومت های جور آن زمان، چنان عرصه را بر امام و یاران او تنگ کرده بودند که در همه جا ترس و وحشت حکم فرما بود.

در دوران امامت امام سجاد علیه السلام، سردم داران حکومت، آشکارا به مقدسات اسلامی توهین می کردند و حکومت اسلامی به حکومتی خودکامه تبدیل گردیده بود. از طرف دیگر، حاکمان نیز بی احترامی های زیادی در حق مردم روا می داشتند .

بدون شک به اسیری رفتن اهل بیت امام حسین علیه السلام در به ثمر رساندن قیام آن حضرت، نقش بسیار مؤثری داشته است، زیرا اگر آنان در طول اسارت با کمال بردباری و شهامت، فاجعه ی کربلا را برای مردم بازگو نمی کردند و نیز مردم از نزدیک آنان را نمی دیدند، هرگز شهادت امام تا این حد شهرت پیدا نمی کرد و بنی امیه و به ویژه یزید تا این اندازه مفتضح و رسوا نمی شدند.

در میان بازماندگان فاجعه ی کربلا بیش از همه، امام زین العابدین علیه السلام و زینت کبری علیها السلام در بیدار ساختن مردم مؤثر بودند. امام سجاد علیه السلام با آن که به هنگام شهادت پدرش بیمار بود و

امام سجاد علیه السلام چهارمین امام معصوم شیعیان است. پدرش امام حسین علیه السلام و مادرش بانویی از بانوان شاه زاده و ملکه ی ایران، دختر یزدگرد بود که در جنگ بین اسلام و امپراتوری ایران، اسیر شد. نقل شده است که وی قبل از اسارت، نحوه ی به اسارت در آمدنش را در خواب دیده بود و این که همسر کسی شده که بسیار نورانی است. (۱)

درباره ی تولد آن حضرت چند روایت وجود دارد. ابن صباغ، تولد آن حضرت را ظهر روز پنج شنبه پنجم شعبان سال ۳۸ هجری در شهر مدینه نوشته است. (۲)

القاب و کنیه ها

زین العابدین، زین الصالحین، وارث علم النبیین، المجتهد، الزکی، الامین، البکاء و...، از القاب امام سجاد علیه السلام، و ابوالحسن، الخاص، ابومحمد، ابوالقاسم (۳) و... از کنیه های آن بزرگوار می باشد.

آن حضرت دو سال از دوران امامت امام علی علیه السلام، ده سال از امامت امام مجتبی علیه السلام و ده سال از امامت پدر بزرگوارش را درک کرد و بعد از آن به مدت ۳۴ سال امامت و هدایت جامعه ی اسلامی را بر عهده داشت. (۴)

دوران امام سجاد علیه السلام

یزید بن معاویه (۶۴-۶۱ هـ . ق)؛ عبدالله بن زبیر (۷۳-۶۱ هـ . ق) معاویه بن یزید (چند ماه از سال

آیا ما را به قتل تهدید می‌کنی؟ آیا تاکنون نفهمیدی که کشته شدن، عادت ما و شهادت، کرامت و فخر ماست؟

وضعیت سیاسی - اجتماعی شام

شام از هنگامی که به قلمرو مسلمانان درآمد تا عصر امام سجاد علیه السلام، فقط حاکمان و فرمانروایان طایفه ی بنی امیه را در خود دیده بود. مردم این سرزمین نه محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرده بودند و نه روش اصحاب صالح آن حضرت را. شامیان، اسلام را در چهره ی امویان دیده بودند و فقط آنان را بازماندگان و خاندان پیامبر می دانستند. تمام تلاش حکومت این بود که مردم شام را در جهل و بی خبری نگاه دارند.

وظیفه ی خطیر امام سجاد علیه السلام آن بود که در چنین شهری، اهل بیت عصمت را به شامیان بی خبر بشناساند تا آنان رهبران حقیقی اسلام را دریابند. (۷)

دوره ی تاریک و سیاه

در چنین دوره ی تاریک و سیاهی بود که امام علی بن الحسین علیه السلام می بایست زمام امور را در دست گیرد و به نام انجام وظیفه ی امامت، اسلام را از یک سقوط قطعی و مسلم نجات بخشد. فاصله ی اسلام با مرگ و نابودی، بیش از یک قدم نبود، در و دیوار ممالک اسلامی از تیرگی گناه سیاه شده بود و می رفت تا یک باره به سوی جاهلیت بر گردد و بت، جای گزین خدا شود و مسجد ها بت کده گردند و ظلم و ستم بر عدالت چیره شود. قدرت ها همه در دست مخالفان اسلام بود

از شهادت پدر و برادران و یاران امام علیه السلام دلی اندوهگین داشت، در عین حال این رنج ها مانع انجام وظیفه اش نشد و از هر فرصتی برای روشن ساختن افکار مردم استفاده کرد.

حماسه ی امام سجاد علیه السلام در کوفه

با آن که امام سجاد علیه السلام فاصله ی کربلا تا کوفه را در آن شرایط سخت با سکوت گذراند و زبانش به یاد حق، مترنم بود و با کسی جز اهل بیت علیه السلام حرف نمی زد، اما با ورود به شهر کوفه، زبان به سخن باز کرد و مخصوصا در کاخ ابن زیاد چهره ی پلید یزیدیان را بر ملا ساخت.

ابن زیاد ملعون قبل از آن که اسرا را وارد قصر خود (دارالاماره) کند، اذن عمومی داد که هر کس می خواهد، به قصر وارد شود. آن گاه دستور داد تا آل الله را وارد دارالاماره کنند. سپس سر مبارک امام حسین علیه السلام را مقابل او گذاشتند و او بی شرمانه به وسیله ی چوب دستی خود به سر مبارک آن حضرت می زد... در این هنگام رو به امام سجاد علیه السلام کرد و گفت: اسمت چیست؟

امام فرمود: علی بن الحسین هستم.

ابن زیاد: مگر علی بن الحسین را خدا نکشت؟

امام علیه السلام: برادر بزرگ تری داشتم که او نیز علی نامیده می شد و مردم او را کشتند.

ابن زیاد: مردم نکشتند، بلکه خدا او را کشت.

امام علیه السلام: البته خدا هر جانی را هنگام مرگ می گیرد و هیچ کس بدون اذن تکوینی الهی نمی میرد. (۵) این حاضر جوانی و حریم نگرفتن امام علیه السلام، برای ابن زیاد، سنگین و غیر قابل تحمل بود. لذا دستور داد گردن آن حضرت را بزنند. هنگامی که عقیده ی بنی هاشم، زینب کبری خود را سپر آن حضرت کرده و ابن زیاد ملعون را از تصمیم وقیحانه اش نهي می کرد، امام سجاد علیه السلام برآشفت و گفت: «بالقتل تهددنی؟ اما علمت ان القتل لنا عاده و کرامتنا الشهاده؛ (۶)



داشت تا ابتدا مقدمات لازم را فراهم آورد و عناصری صالح را برای شروع کاری بزرگ (تجدید حیات اسلام و بازآفرینی جامعه اسلامی) تأمین کند و جان خود و تعداد بسیار معدود یاران قابل اتکای خود را حراست نماید و میدان را در برابر حریف رها نکند. امام چهارم با یک سلسله برنامه های ارشادی و فرهنگی و تربیتی، مبارزات غیر مستقیم خود را آغاز کرد و امامت را به صورت مخفی و با تقیه و در زمانی دشوار عهده دار گردید. (۸)

زننده نگه داشتن خاطره ی عاشورا

از آن جا که شهادت امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت، برای حکومت اموی بسیار گران تمام شده و مشروعیت آن را زیر سؤال برده بود و برای آن که فاجعه فراموش نشود، امام با گریه بر شهیدان و

و ناجوان مردانه می کوبیدند و جلو می رفتند. در چنین شرایط سخت و خطرناکی بود که می بایست امام سجاد علیه السلام پا به میدان مبارزه بگذارد و با تمام کژی ها و انحرافات مبارزه کند.

تجدید حیات اسلام

بیشترین دوران امامت حضرت سجاد علیه السلام مصادف بود با دوران خلافت عبدالملک بن مروان که مدت ۲۱ سال طول کشید. با توجه به فضای سیاسی آن زمان که رعب و اختناق شدیدی در جامعه حکم فرما شده بود و با کنترل و تسلط شدیدی که حکومت جبار اموی برقرار ساخته بود، مسلماً هر گونه جنبش و حرکت مسلحانه، محکوم به شکست بود و لذا امام سجاد علیه السلام با تدبیری سنجیده کوشید احساسات سطحی مردم را مهار کند و سعی

زنده نگه داشتن خاطره ي آنان، مبارزه ي منفي خويش را ادامه مي داد.

روزي خدمت گزار آن حضرت عرض کرد: آيا غم و اندوه شما تمام مي شود؟ حضرت فرمود: واي بر تو! يعقوب پيامبر که فقط يکي از دوازده پسرش ناپديد شده بود، در فراق او آن قدر گريست که چشمانش نابينا شد و از شدت اندوه کمرش خم شد، در حالي که پسرش زنده بود و کاملا از يافتن او نااميد نگشته بود؛ ولي من ناظر کشته شدن پدرم، برادرم، عمويم و هفده نفر از بستگانم بودم که پیکرهايشان در اطرافم نقش زمين شده بود، پس چگونه ممکن است غم و اندوه من پايان يابد؟! (۹)

پند و ارشاد امت

از آن جا که امام چهارم در عصر اختناق زندگي مي کرد و نمي توانست مفاهيم مورد نظر خود را به صورت آشکار و صريح بيان کند، از اين رو از شيوه ي موعظه استفاده مي کرد.

تأمل در اين موعظه ها نشان مي دهد که امام با روش حکيمانه و بسيار زيرکانه اي، ضمن اين که مردم را نصيحت و موعظه مي کرد، آن چه را که مي خواست در ذهن آنان جا بگيرد، القا مي نمود. و اين، بهترين شکل انتقال افکار و اندیشه ي درست اسلامي در آن شرايط بود، زيرا اين مباحث، در عين حال که اثر و نتيجه ي سياسي داشت و بر ضد دستگاه حاکم بود، حساسيت حکومت را بر نمي انگيخت.

امام ضمنا مسئله ي «امامت» را روشن مي کرد و مردم را به غاصبانه بودن حاکميت

حاکمان زور و کفر و سردم داران فاسق و منافق، آگاه مي ساخت و به آنان تفهيم مي کرد که حکومتي مانند حکومت «عبدالملک»، حکومتي غير اسلامي و غير شرعي است.

نشر احکام و آثار تربيتي و اخلاقي

يکي ديگر از فعاليت هاي امام عليه السلام در عصر خويش، نشر احکام اسلام و تبين مباحث تربيتي و اخلاقي بود. امام در اين زمينه، گام هاي بلند و بزرگي برداشتند، به طوري که دانشمندان را به تحسين و اعجاب وا داشته است؛ نمونه اي از تعاليم تربيتي و اخلاقي که از امام چهارم به يادگار مانده، مجموعه اي است به نام «رساله ي حقوق» که امام طي آن، وظيفه گوناگون انسان را چه در پيش گاه خدا و چه درباره ي خويشتن و ديگران، بيان نموده است. (۱۰)

منابع:

- ۱- حسين عماد زاده، چهارده معصوم، ص ۶۷۳
- ۲- فصول المهمه، ص ۱۸۳
- ۳- همان، ص ۶۷۲
- ۴- شيخ مفيد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۷
- ۵- آل عمران (۳) آيه ۱۴۵
- ۶- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۷ و ۱۱۸ و مقتل خوارزمي، ج ۲، ص ۴۴
- ۷- سيد غلامحسين حسيني، «سرفصل هايی از حرکت سياسي امام سجاد (ع) در نهضت کربلا»، مجله ی حکومت اسلامي، سال هفتم، زمستان ۱۳۸۱، ص ۳۶۸
- ۸- تاريخ يعقوبي، تعليق از: سيد محمد صادق بحرالعلوم، ج ۳، ص ۲۷ و ۲۹
- ۹- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸
- ۱۰- سيد جعفر شهيدی، زندگانی علی بن الحسين، ص ۱۸۸

امام سجاد (ع) و واقعه ی حره

اشاره :

هر چند قیام حره جهات مثبتی چون ضدیت با بنی امیه و عهده داری قیام به دست مردمانی عابد و زاهد را با خود به همراه داشت اما اولاً این قیام، ماهیت اصیل شیعی نداشت و دقیقاً در خط زیر قرار داشت ثانیاً رهبری این نهضت با عبدالله بن حنظله بود و در این باره، هیچ گونه نظر خواهی از امام علیه السلام نشده بود.

دارد تا آن جا که «مسلم» از مردم مدینه به عنوان «برده ی یزید» بیعت گرفت. (۴)

همراهی نکردن امام سجاد علیه السلام با قیام مدینه

هر چند قیام حره جهات مثبتی چون ضدیت با بنی امیه و عهده داری قیام به دست مردمانی عابد و زاهد را با خود به همراه داشت، اما جهانی منفی نیز داشت که موجب شد امام سجاد علیه السلام از شرکت در آن، امتناع ورزد:

الف - این قیام، ماهیت اصیل شیعی نداشت و دقیقاً در خط زیر قرار داشت، چرا که عبدالله بن زبیر در میان صفوف شورشیان، نفوذ زیادی داشت و امام علیه السلام نمی خواست افرادی چون عبدالله قدرت طلب، ایشان را پل پیروزی قرار دهد.

از سوی دیگر، یزید نیز از اهل مدینه دل خوشی نداشت، چرا که آنان قاتلان پدران وی در جنگ بدر و دیگر جنگ ها بودند. هم چنین اهل مدینه در شورش علیه عثمان و کشتن او نقشی اساس داشتند. (۵) بدین روی، سپاه شام نیز شعارشان در این جنگ، یالثارات عثمان (ای خون خواهان عثمان) بود. (۶)

ب - رهبری این نهضت با عبدالله بن حنظله بود

از جمله وقایع اسف بار عصر امام سجاد علیه السلام که به دست عمال جنایت کار اموی در مدینه صورت گرفت، «واقعه ی حره» بود. پس از واقعه ی عاشورا، اهل مدینه به رهبری عبدالله بن حنظله، امویان و یاران و موالیان آنان را که قریب به یک هزار نفر بودند و نیز خانه ی مروان بن حکم را محاصره کردند و سپس وی و اطرافیان او را به خفت و خواری از شهر راندند. بزرگان بنی امیه هنگام خروج، قسم یاد کردند که اگر توانستند مانع یورش لشکر یزید به مدینه شوند و اگر قادر نبودند، به شام بروند و با لشکر یزید همراهی نکنند. (۱)

چون خبر قیام مردم مدینه و اخراج امویان به یزید رسید، وی مسلم بن عقبه را که مردی سال خورده و از سرسپردگان دربار بنی امیه بود، با پنج هزار نفر (۲) برای سرکوبی نهضت به مدینه فرستاد و به وی گفت: «طی سه روز هر چه دارند از اموال و اثاث منزل و سلاح و طعام، همه را غارت کن و در اختیار سپاه بگذار.» (۳)

سپاه شام به مدینه یورش برد و پس از وقوع جنگی خونین بین دو گروه، قیام شکست خورد. مسلم به مدت سه روز دست سپاهیان خویش را در کشتن مردم و غارت شهر باز گذاشت و شامیان جنایاتی مرتکب شدند که قلم از نوشتن آن شرم

در این واقعه، مردم مدینه در سرزمین «حره» که سنگستان مدینه بود، با لشکر مسلم روبرو شدند و جنگ شدیدی رخ داد و عده ی بسیاری از مردم مدینه به شهادت رسیدند. سرانجام مردم مدینه به مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پناهنده شدند، ولی سپاهیان مسلم دست بردار نبودند و به مسجد النبی نیز حمله کردند و افراد بسیاری را به شهادت رساندند. در چنین شرایطی، مسلم بن عقبه، مردم را برای بیعت با یزید مجبور می کرد و هر کس بیعت نمی کرد گردن او را می زد. مردم از ترس جان خود بیعت می کردند، ولی امام سجاد علیه السلام و علی بن عبدالله بن عباس بیعت نکردند. (۷)

و در این باره، هیچ گونه نظر خواهی از امام علیه السلام نشده بود. اما چون رهبران شورش، افرادی مؤمن و صالح بودند و انتقاد و اعتراض های آنان به حاکمیت یزید کاملاً به جا و درست بود، امام حرکت آنان را تخطئه نکرد.

ج - از بزرگ ترین اشتباهات سران قیام حره این بود که شهر مدینه را مرکز حرکت خود قرار دادند و با این عمل، نهایت اهانت و هتک حرمت را در حق شهر پیامبر علیه السلام روا داشتند، در حالی که ائمه ی اطهار این کار را تأیید نکرده بودند؛ چنان که امام حسین علیه السلام در قیام خود، برای جلوگیری از خون ریزی در خانه ی خدا و حفظ حرمت کعبه، این شهر را ترک کردند.

با ارزیابی اوضاع و ملاحظه ی اختناق شدیدی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام به وجود آمده بود، امام سجاد علیه السلام شکست نهضت مدینه را پیش بینی می کرد و می دیدند که کمترین همکاری شان با مبارزان، خطرناک ترین پی آمد ها را برای شیعه به دنبال دارد. از این رو، حفظ اقلیت شیعه برای آینده، امام علیه السلام را از شرکت در چنین قیامی باز می داشت.

منابع:

- ۱- ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۲۳۰.
- ۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵۰.
- ۳- ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، تحقیق از: علی شیری، ص ۲۳۲؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ص ۳۷۲.
- ۴- تاریخ یعقوبی، ص ۲۵۰؛ بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق از: سهیل زکار و ریاض زرکلی، ص ۳۶۴.
- ۵- بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۳۴۸.
- ۶- ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۲۳۱.
- ۷- تتمه المنتهی، ص ۳۸-۳۹.



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:
 إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُنَادَى مُنَادًا: أَيْنَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ؟ فَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى وُلْدِي
 عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَخْطُرُ بَيْنَ الصُّفُوفِ؛

در روز رستاخیز آواز دهنده ای صدا می زند: کجاست زین العابدین (زیور پرستشگران)؟ و من فرزندم علی بن حسین بن علی بن ابی طالب را می بینم که صفها را می شکافد (و پیش می رود).



سجاده و رساله الحقوق می باشد. هنگامی که از حوزه ی علمی ی قم یک نسخه صحیفه ی سجاده برای دانشمند بزرگ اهل تسنن و صاحب تفسیر «الجواهر» ارسال شد و او با این کتاب ارجمند مواجه گردید، درباره ی آن نوشت: کتاب را به دست تکریم گرفتم و آن را کتابی یگانه یافتم که مشتمل بر علوم و معارف و حکمت هایی است که در غیر آن یافت نمی شود. حقا از بدبختی ماست که تاکنون به این اثر گران بهای جاوید از میراث های نبوت و اهل بیت، دست نیافته ایم. (۲)

بسیاری از مردم بی خبر، امام را با لقب بیمار می شناسند و فکر می کنند که ایشان همواره در تمام عمر در بستر بوده اند. اما این واقعیت ندارد؛ آن بزرگوار فقط مدت کوتاهی، آن هم در کربلا بیمار بودند و این مسئله نیز یکی از حکمت های خداوند متعال بود تا ایشان زنده بمانند و برای آینده ی اسلام مفید باشند. «در حقیقت، خداوند بزرگ او را به وسیله ی بیماری اش حفظ فرمود تا یزیدیان از او دست باز دارند و با ماندن او رشته ی امامت ادامه یابد و آینده ی اسلام و امت تأمین گردد.» (۳)

منابع:

- ۱- احمد ترابی، امام سجاد جمال نیایشگران، ص ۶۴.
- ۲- زندگانی امام سجاد علیه السلام، تهیه و تنظیم از: هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، ص ۲۹.
- ۳- رضا شیرازی، شام غریبان، ص ۱۸.

حضرت امام سجاد علیه السلام هر گاه آماده ی نماز و عبادت خداوند می شد، رنگ چهره اش گاه زرد و گاه گل گون می گشت و بیم از خداوند در اندامش متجلی می شد و چنان نماز می گزارد که گویی آخرین نماز اوست. چون به سجده می رفت تا دیر زمان در سجده می ماند و چون سر بر می داشت قطرات عرق بر بدنش جاری بود. همواره تربت پاک پدرش سید الشهداء علیه السلام را همراه داشت و جز برآن، پیشانی نمی نهاد. (۱)

امام سجاد علیه السلام این گونه محراب را با میدان نبرد و نماز را با شهادت و مناجات نیمه شب را با مناجات حسین علیه السلام بر خاک های تفتیده ی کربلا و یاد خدا را با یاد راهیان راه حق پیوند می زد و این چنین به نماز و عبادتش جهت می بخشید. عبادت های طولانی امام سجاد علیه السلام برای مردم پیام بیداری و رهنمایی به سوی عزت و آزادی و دین داری و ظلم ستیزی داشت، چرا که وقتی سر بر خاک شهیدان کربلا می نهاد به همگان اعلام می کرد که نماز من، نماز انزوا، نماز رهبانیت، نماز فرار از واقعیت های زمان نیست؛ نمازی است چونان نماز حسین علیه السلام در نیم روز گرم کربلا و در میدان شهادت.

اهمیت صحیفه ی سجاده

از آثار معنوی ارزشمندی که از امام سجاد علیه السلام به یادگار مانده، کتاب های گران سنگ صحیفه ی



در گذرگاه شک ...

پرسش :

امام سجاد(علیه السلام) چگونه بر پیکر پاک امام حسین(علیه السلام) نماز خواندند؟

پاسخ :

در روز سیزدهم محرم، امام زین العابدین(ع) برای دفن پدر بزرگوارش به کربلا آمد زیرا امر غسل و کفن و دفن امام را جز امام عهده‌دار نمی‌شود، شاهد بر این مطلب، مناظره‌ی امام رضا(ع) با علی بن ابی‌حمزه بطائنی است. حضرت به او فرمود: بگو ببینم حسین بن علی امام بود؟ گفت: آری. فرمود: چه کسی امور او را بعد از شهادت به عهده داشت؟ گفت: حضرت سجاد(ع) فرمود: او در آن هنگام کجا بود؟ گفت: در زندان ابن زیاد بود؛ اما بدون این که آنان بفهمند از آن جا خارج شد و امور دفن پدرش را انجام داد و به زندان بازگشت. امام رضا فرمود: آن که علی بن الحسین(ع) را قدرت بخشید که به کربلا آید و امور پدرش را انجام دهد و باز گردد، امام این زمان را هم قدرت می‌دهد که به بغداد رفته و امور دفن پدرش موسی بن جعفر(ع) را انجام دهد، و حال آن که در حبس و اسارت هم نیست.

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

نشانه های مؤمن پنج چیز است: پرهیزگاری
در خلوت، صدقه در حالت نیازمندی، شکیبایی
هنگام مصیبت، بردباری هنگام خشم و راستگویی
هنگام ترس.

به زبان قلم

با تو هر لحظه‌ی من بوی خدا می‌گیرد
عطر اخلاص و مناجات و دعا می‌گیرد
بچشان بر دل ما طعم عبودیت را
سجده هامان به نگاه تو بها می‌گیرد
تو ولی نعمت ما و همه عبادت هستیم
رحمت واسعه ات دست مرا می‌گیرد
تا بقیعت دل شیدای مرا راهی کن
عشق از گوشه‌ی چشمان تو پا می‌گیرد
آن قدر بنده نوازی که دل چون من هم
عاقبت تذکره‌ی کرب و بلا می‌گیرد
بانی روضه‌ی اربابی و باران باران
چشمم از محضر تو اذن بکا می‌گیرد
از تو بر گردن اسلام چه دینی مانده
با فداکاری تو شور حسینی مانده
رهبر جان به کف اهل ولایی آقا
مظهر بی بدل صبر و رضایی آقا
به تو و عزّت و ایثار و شکوهت سوگند
علم افراشته‌ی خون خدایی آقا
بیرق نهضت ارباب به روی دوش
وارث سرخی خون شهدایی آقا
خطبه‌ی حیدری ات کاخ ستم را لرزاند
دشمن تو تَبَرَد راه به جایی آقا

کربلا را که تو به کوفه و شام آوردی
همه دیدند که مصباح هدایی آقا
دیده‌ی غرق به خون تو گواهی داده
تو عزادار چهل سال منایی آقا
اشک هم از غم چشمان تو خون می‌گرید
زائر جان به لب کرب و بلایی آقا
چشم‌های تو از آن ظهر قیامت می‌خواند
دم به دم در همه جا داشت مصیبت می‌خواند
غربت و بی کسی قافله یادت مانده
شام اندوه و شب هلهله یادت مانده
خار غم چشم تو را باز نشانده در خون
پای زخمی و پر از آبله یادت مانده
در خرابه تو هم از پای نشستی آخر
قامت خم شده‌ی نافله یادت مانده
زخم بی مرهم چل روز اسارت آقا
سال‌ها سلسله در سلسله یادت مانده
سالیانی ست که این داغ شهیدت کرده
تلخی طعنه‌ی صد حرم‌له یادت مانده
قاتلت درد و غم و بی کسی عاشوراست
سالیانی ست دل زخمی ات ارباباً ارباست

یوسف رحیمی

عاشق

